

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

ستیز میان مهربان و میترائیان

سیمین دخت گودرزی^۱

پژوهشگر آزاد

simindokhtgoodarzi@yahoo.com

چکیده

مهرپرستی آیینی است کهن که هم در ایران و هم در اروپا سابقه‌ای طولانی دارد. پیش از ظهور زرتشت، مهر والاترین جایگاه را در میان ایزدان ایرانی داشت و پس از آن نیز در کنار اوهرمزد برای یاری دادن به این یگانه آفریدگار زرتشتی، قرار گرفت. آیین‌های مربوط به بزرگداشت مهر در دوره‌های گوناگون همواره به شکل‌های مختلف با مردم همراه بوده است؛ گاه به عنوان آیینی مستقل و گاه تحت لوای دینی دیگر. مهرپرستی در اروپا نیز با نام "میترائیسم" بسیار رایج بوده و این گستردگی در طول زمان و مکان تفاوت‌های زیادی در پرداختن به آیین‌های دینی را سبب شده که به دنبال آن پژوهشگران امروز را نیز دچار اختلاف نظرهای متعددی به‌ویژه درباره موطن اصلی این کیش، کرده است. مقاله حاضر بخش قابل توجهی از این نظرات را مطرح و تلاش می‌کند به یک پاسخی علمی درباره این‌که آیا تفاوت‌های به وجود آمده در نحوه برگزاری آیین‌های مهر و میترائیسم در ایران و اروپا می‌تواند خاستگاه آنها را به کلی از هم جدا کند یا خیر، برسد.

واژه‌های کلیدی: مهرپرستی، میترا، آیین، خاستگاه

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله: آیین مهرپرستی یکی از کهن‌ترین آیین‌های هند و اروپایی و مؤثرترین دینی است که می‌توان آثارش را در بسیاری از ادیان بزرگ امروز دنبال کرد. این آیین پس از رواج در ایران، به سبب جذابیت و زیبایی‌هایی که در خود داشت، مرزها را درنوردید و راهی سرزمین‌های غربی شد که در این گذار تغییراتی کرد و دگرگونی‌هایی تازه یافت. کیش مهر اگرچه ظاهراً در شرق با آمدن زرتشت و در غرب با ظهور مسیح به کنار رانده شد اما حقیقت آن است که هرگز نمی‌توان آن را دینی مرده به شمار آورد؛ چراکه آیین‌های آن از دل دین زرتشت و مسیح چنان آشکارا سر بر آورده که یافتن رد پای آن نیاز به کاوش‌های دشوار ندارد؛ مشخص‌ترین گواه این گفته را می‌توان در تقدس روز یکشنبه مسیحیان که به نام مهر است و وجود یکی از "یشت"^۳های مهم به نام "مهریشت"، در دین زرتشت، جستجو کرد. با تعمق در این تبلورها است که می‌توان به خوبی سرانجام حماسه گیلگمش را مبنی بر این‌که خدایان هرگز نمی‌میرند، درک کرد (ساندرز، ۱۳۷۶: ۷۵). به هر روی پیشینه بسیار کهن آیین مهر، انتشار آن در دورترین نقاط جهان، تأثیر شگرفش بر ادیان پس از خود و گوناگونی در شیوه پرستش ایزد آن، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشت تا در این کیش پر رمز و راز تأمل کنند و در این میان محققان اروپایی چون مارتن ورمازرن^۴، فرانکس کومن^۵، دیوید اولانسی^۶ و پژوهشگران ایرانی چون مرتضی ثاقبفر، محمد مقدم، مهری باقری، ژاله آموزگار و هاشم رضی، بخش قابل توجهی از مطالعات خود را در این عرصه به انجام رسانده‌اند.^۷ اما از آنجا که متن و نگاشته‌ای از مهرپرستان بر جای نمانده و پیروان این دین بر خلاف رهروان آیین‌های دیگر - از جمله مانویت که پیوسته سعی در تبلیغ دینشان می‌کردند - بیشتر به

رمزپردازی و نیایش در خفا می‌پرداختند، به دشواری می‌توان قضاوت درستی درباره باورهای آنان و شیوه پرستش خدایشان ارائه داد. از سوی دیگر اهمیت و جایگاه این آیین، برخی از محققان شرقی و غربی را بر آن داشته تا هریک تلاش کنند خاستگاه اصلی مهرپرستی را در سرزمین خود به اثبات برسانند.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق: برداشته‌های گوناگون در این راستا اختلاف نظرهایی را به وجود آورده که بررسی و قیاس آنها دستمایه اصلی این مقاله قرار گرفته است. بیان این دیدگاه‌ها پرسش‌هایی را به وجود می‌آورد از این قبیل که آیا تفاوت در نحوه برگزاری آیین‌ها از سوی مهربان و میتراپیان دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن است که خاستگاه مهر و میترا را از اساس جدای از یکدیگر بدانیم؟ و آیا این دگرگونی‌های ایجاد شده، به سبب تفاوت در خاستگاه جغرافیایی است و یا بر اثر گذر زمان و تفاوت باورهای مردمانی است که در جاهای مختلف، این آیین را پذیرفته و مطابق با سوابق ذهنی خود آن را پرورانده‌اند؟ علاوه بر اینها هدف ضمنی که نگارنده در این گفتار با طرح و تحلیل برخی از نظرات دنبال می‌کند، جلب توجه بیشتر علاقه‌مندان به مطالعه ادیان کهن، پیرامون این آیین استوار و چندهزارساله است. شاید که این سطور باریکه‌های نوری باشد برای آنان که در پی کشف حقیقتند.

۲- بحث

۱-۲ پیشینه مهر

پیش از زرتشت، ایرانیان همانند بسیاری از اقوام همعصر خود، دین چند خدایی داشتند که در میان این ایزدان، مهر جایگاه والایی داشت؛ تا آنجا که حتی می‌توان گفت گرانقدرترین خدای آن دوران به شمار می‌آمد. در روزگاری که یک دستگاه قضایی واحد و یا قانون اساسی وجود نداشت، وفای به عهد و پیمان به ویژه پایبندی به قرار صلح میان قبایل و یا همقسم شدن به منظور اتحاد در مقابل مهاجمان، امری بسیار خطیر به شمار می‌رفت؛ پس وظیفه نگهبانی از این پیمان‌ها نیز باید به عهده ایزدی گذاشته می‌شد که

در باور همگان جایگاه ویژه‌ای داشت و ایزد مهر درخشان‌ترین گزینه بود. «مهر در تاریخ اسطوره‌های سرزمین‌های دیگر نیز خدای مهمی بوده است. در لوحه-ای که به خط و زبان حتی/هیتی در بغازکوی آسیای صغیر پیدا شده است و قدمت آن به حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، نام میترا به عنوان خدای عهد و پیمان در کنار ورونا^۸ و دیگر خدایان هندی دیده می‌شود»^۹ (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۹ / بنونیست، ۱۳۷۷: ۳۴). وجود نام میترا در کتیبه یاد شده نشان دهنده آن است که مهر، ایزدی است متعلق به عهد آریایی و پرستش آن از دیرباز در میان اقوام آریایی رایج بوده است. حتی برخی از پژوهشگران با استناد به نقش برجسته‌ای که در "قیزقاپان"^{۱۰} به دست آمده و مربوط به دوره مادهاست، پرستش میترا را تا عهد پادشاهی ماد نیز دنبال می‌کنند (معین، ۱۳۴۷: ۴۴۶۶).

پس از ظهور زرتشت که ارمغان دین او یکتاپرستی و ایزد آفریننده‌اش اهورامزدا بود، مرتبه مهر اندکی تفاوت کرد که البته این تفاوت به مفهوم تنزل نیست؛ چرا که زرتشت خود از میان مردمی برخاسته بود که زدودن مهر مهر از دلها و باورهایشان ناممکن بود و مهر به هر ترتیب باید در آیین مزدیسنا جای می‌گرفت «ولی چون کیش زرتشتی را اساس، بر یکتاپرستی است و پرستش مهر به همان صورت قبلی و اصلی ایجاد دوگانگی می‌کرد، زرتشت مهر را آفریده اهورامزدا و ایزد پاسبان عهد و پیمان معرفی کرد» (نوزاد، ۱۳۵۳: ۵۹۳). از سوی دیگر ره-آورد زرتشت دینی بود که در آن آتش، بنا به دلایل تاریخی، اسطوره‌ای و علمی به عنوان یک منبع حرارتی و عنصر تطهیر کننده، تقدس و احترام ویژه‌ای داشت پس بی‌گمان مهر نیز که نماد آن، بزرگترین منبع نور و گرمای جهان، یعنی خورشید، است جایگاه ویژه‌ای داشت؛ تا آنجا که در نخستین بند از مهریشت از زبان اهورامزدا گفته می‌شود: «...بدان هنگام که من مهر فراخ‌چراگاه را هستی بخشیدم، او را در شایستگی ستایش و برازندگی نیایش، برابر با خود که اهورامزدایم، بیافریدم.» (Reichelt، ۱۹۶۸: ۱۳) بنابراین زرتشت، نه بنا بر اقتضای باورهای جامعه،

که همگام با باورهای قلبی خویش و همراستا با مبانی دین خود، مهر را ستوده و گرامی داشته است. «مضافاً این‌که شخصیت اصلی مهر، یعنی ایزد عدالت و ایمان درست، به‌خوبی با اصول زرتشت مطابق است» (بویس، ۱۳۸۴: ۱۱۴). پرستش مهر همچنان ادامه یافت و به روزگار شاهان هخامنشی رسید. در این زمان نیز مهر همپای اهورامزدا و آناهیتا پرستیده می‌شد و به گفته هرودوت، مورخ یونانی (۱۷۰-۲۴۱ م.) و کتزیاس طبیب یونانی اردشیر دوم (۴۱۵ - ۳۹۸ ق. م.) مهر از ایزدان مشهور ایرانی بوده که به نام او سوگند یاد می‌کردند و شاهان ایران در جشن مهرگان لباس ارغوانی می‌پوشیدند و تنها در این روز، میگساری می‌کرده‌اند (پورداود، ۱۳۵۶: ۳۹۶). «اهورا مزدا بغ یگانه نبود. داریوش [اول] مکرراً این را یاد می‌کند. ما از گفته هرودوت می‌دانیم که پارسیان خورشید (مهر)، ماه، زمین (زم)، آتش (آتر)، آب (آپم نپات) و باد (وهیو) را پرستش می‌کردند... از زمان اردشیر دوم آیین رسمی با بغانی که در ردیف اهورامزدا در کتیبه‌ها یاد شده‌اند، توسعه یافته است. آنها عبارتند از: مهر، خدای خورشید، خدای عدالت و فدیة...» (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۱۷۲). سلسله هخامنشی با حمله اسکندر در سال ۳۳۰ ق. م. به ایران، پایان یافت و در طول یک قرن که جانشینان او؛ یعنی سلوکیان بر ایران حکومت می‌کردند، نمی‌توان به درستی پایگاه مهرپرستی را بررسی کرد اما بی‌گمان تقدس مهر در میان مردمان دوام داشته است. همان طور که زبان مردم به تبع رسمی شدن زبان یونانی در این عصر تغییر نکرد، به طور قطع باورهای آنان نیز با حضور یک حکومت تحمیلی دگرگون نشده است، آنچنان که پس از به قدرت رسیدن پارتیان، پرستش مهر از سر گرفته می‌شود و در همین دوران است که به اوج شکوفایی خود رسیده و رهسپار غرب می‌شود. «کثرت نام مهرداد که در میان فرمانروایان پونتوس^{۱۱}، کاپادوسیه^{۱۲}، ارمنستان و کماژن^{۱۳} دیده می‌شود، اهمیت مهر را در این مناطق روشن می‌سازد. کتیبه‌ای از آنتیوخوس اول کماژنی، پسر مهرداد کالی نیکوس پادشاه سلسله نیم ایرانی - نیم یونانی جانشین اسکندر که در سده اول میلادی در شمال سوریه شاهی می‌کرد، در نمرود داغ یافت شده است که نوشته‌ها و

نقوش آن گویای اعتقادات مهرپرستی این پادشاه و پدرش مهرداد است» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۵۵). نمونه بارز دیگر از اعتقاد به مهر مربوط به تیرداد اول، شاهزاده اشکانی، است که هنگام تاجگذاری‌اش در ارمنستان^{۱۴} و با حضور امپراتور روم، آداب و تشریفات مهرپرستی را به نمایش گذاشت و اعلام کرد که ایزد پیمان و دوستی رابطه دوستانه و صلح آمیزی را بین ارمنستان و روم برقرار کرده است (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۲۳). گئویدن گرن یکی دیگر از دین‌پژوهان غربی است که خاستگاه میترا را در ایران و به طور دقیق در شمال غربی این کشور (آذربایجان و اطراف آن) می‌داند. او نیز به پیمانی که شرح آن در بالا آمد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «این گفته بدین مفهوم است که میترا کاملاً برای پرستش از سوی بسیاری، حتی در بیرون از امپراتوری پارتی مورد نظر بوده و قدر مسلم در آسیای صغیر موقعیتش قوی‌تر بوده است. در نتیجه پرستش میترا توانسته است به سرزمین یونان و روم گسترش یابد» (گرن، ۱۳۷۷: ۳۱۴).

با روی کار آمدن ساسانیان حکومت رنگ و بوی مذهبی گرفت و در این دوره کمتر به تسامح دینی که در عهد پارتیان در ایران رواج داشت، بر می‌خوریم؛ از این رو مهرپرستی رفته رفته نفوذ خود را به عنوان مذهبی جدا از دین مزدیسنا از دست داد. اما جایگاه آن در باور عامه والاتر از آن بود که بتوان به سادگی آن را مطرود اعلام کرد. پس همچنان در کنار اهورامزدا باقی ماند و به عنوان یار و دستیار او وظایف ایزدی‌اش را به جای آورد. حضور مهر را به عنوان عنصری مهم در دین زرتشتی ساسانی، می‌توان در برخی از نقش برجسته‌های بر جای مانده از آنان مشاهده کرد. مهم‌ترین آنها نقشی است از شاپور دوم در طاق بستان کرمانشاه^{۱۵} که وی را در میان دو پیکره نشان می‌دهد؛ سمت راست او اهورامزداست که حلقه فره ایزدی را به منظور تاجگذاری به او می‌دهد، سمت چپ، مهر قرار دارد که تشعشعات نور همچون خورشید دورتادور سر او را فرا گرفته و شاخه‌ای از گیاه که "برسم"^{۱۶} گفته می‌شود، در دست دارد.

۲-۲- راهیابی مهرپرستی به اروپا

هنگامی که سخن از مهرپرستی به میان می‌آید، به هیچ روی نمی‌توان از جایگاه آن در تاریخ اروپا چشم‌پوشی کرد و پیوسته یکی از جنجالی‌ترین موضوعات در این زمینه، زمان و چگونگی راهیابی این آیین به اروپاست. اولانسی یکی از محققانی است که میترائیسم را کاملاً جدای از مهرپرستی می‌داند. به اعتقاد او، این آیین مبنایی اخترشناسانه دارد و نقش رواقیون را پیش از هرچیز دیگر در پی‌ریزی آیین‌های سزّی میتراس^{۱۷} مؤثر به شمار می‌آورد. بدین ترتیب که گروهی از روشنفکران رواقی در ترسوس، مرکز کیلیکیه، به اختربینی مذهب سماوی و دوره‌های نجومی که از دلشغولی‌های مرسوم آنها بود، علاقه‌مند شدند و فرضیه‌ای برای وجود یک خدای جدید کیهانی که در صورت فلکی قابل ترسیم بود، ارائه کردند. در این تصویر، صورت فلکی پرساوش (پسر زئوس، قهرمان ماندگارترین افسانه‌ی یونانی) درست بالای سر ثور (گاو) قرار می‌گرفت و تجسمی از یک گاو که به وسیله قهرمان بالای سرش کشته می‌شد، ایجاد می‌کرد. به باور این پژوهشگر، همین امر دستمایه شکل گرفتن آیین میترائیسم شد و «از آن پس این آیین در میان دریازنان کیلیکیه انتشار یافت؛ دریازنانی که روابط نزدیکی با اعیان و روشنفکران داشتند و همچون همه ملاحان به خاطر اتکا به افلاک، به منظور دریانوردی باید علاقه زیادی به ستارگان داشته باشند. سرانجام هم‌پیمانی نزدیک دریازنان و مهرداد اوپاتراس^{۱۸} که نامش برگرفته از نام میترا بود و بنا به یک اسطوره از تبار پرسیوس (یکی از قهرمانان یونانی) به شمار می‌آمد، منجر به آن شد که دریازنان نام میتراس را به خدای جدید بدهند» (اولانسی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). به غیر از اولانسی برخی از پژوهشگران ایرانی نیز پیش از این، به ورود عناصر اخترشناسی در آیین میترائیسم اشاره کرده‌اند اما به اعتقاد آنان مهرپرستی پس از ورود به سرزمین کلدی (در دورانی پیش‌تر از اشکانی) با عقاید نجومی آنها درآمیخته است (نفیسی، ۱۳۲۷: ۷). علاوه بر این معدودی از نویسندگان ایرانی نیز وجود دارند که هیچ ارتباطی میان میترائیسم و مهرپرستی ایرانی قائل نمی‌شوند: «از حدود صد و پنجاه سال پیش به این طرف با پیروی از دانشمندان کشورهای دیگر،

آیین دیگری هم به نام مهرپرستی در ایران باستان به به کیش‌های زرتشتی، زروانی، مانوی، مزدکی و ... افزوده‌اند و درباره آن کتاب‌ها نوشته و بحث‌ها مفصلی کرده‌اند؛ چون در ایران پیشینه درستی برای آن پیدا نکرده‌اند، بعضی داستان‌های یونانی را با آن ارتباط داده‌اند اما در ایران یا فرهنگ ایران هیچ‌گونه پیشینه‌ای ندارد و سرچشمه داستان‌های یونان و روم هم نمی‌توان از ایران دانست» (اورنگ، ۱۳۵۳: ۵۲۱). به طور کلی اغلب پژوهشگران، قرن اول پیش از میلاد را زمان پیدایش آیین مهر در اروپا می‌دانند و آنچنان که دیدیم این امر را به نوشته‌های مورخان یونانی و رومی استناد می‌کنند. (Forrer، ۱۹۱۵: ۷۳) اما برخی از پژوهشگران شکل‌گیری این نطفه را در زمان‌های دورتری در نظر می‌گیرند. مهری باقری در این زمینه گفته‌های کومن را معتبر می‌داند و می‌نویسد:

«کومن، محقق نامدار بلژیکی که نوشته‌ها و آثار متعدد او درباره آیین مهرپرستی غربی از مهم‌ترین و معتبرترین منابع و مأخذ تحقیق در زمینه مهرپرستی به شمار می‌آید، در مورد چگونگی تکوین دین مهری و انتشار آن در غرب معتقد است که بر اثر نبردها و فتوحات ایرانیان در آسیای صغیر و سوریه که از زمان هخامنشیان آغاز شده بود و تا اواخر دوران ساسانی نیز ادامه داشت، اصول اعتقادی و جهان‌بینی ثنوی ایرانی در این مناطق نفوذ کرده، شایع شد و در نتیجه تأثیر و تلفیق عقاید ثنوی مزدیسنايي رایج در آسیای صغیر با عقاید نجومی کلدانی که از پیش در بین‌النهرین رواج داشت و افزودن آرایه‌های اساطیری یونان که با فرمانروایی جانشینان اسکندر در منطقه ظاهر شده بود، شکل خاصی از جهان‌بینی به وجود آمده که منجر به تکوین آیین مهرپرستی یونانی - رومی شد» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۵۴). از آنجا که نخستین مرحله از هفت مرتبه آیینی و تشریف در مهرپرستی، مرحله‌ای است به نام "سرباز" برخی محققان با اطمینان بیشتری، پذیرش و انتقال این آیین را به عهده جنگجویان گذاشته‌اند.

«آیین نیایش مهری به مثابه خدمت نظامی است و زندگی در جهان خاکی نبردی است در راه خدای پیروز. بنابراین اگر در میان لشکریان رومی، در هر مقام و منصبی که بودند، علاقه‌ای به دین میترا احساس می‌شد، مایه تعجب نباید باشد. نزد همه کسانی که زیر پرچم عقاب نشان ارتش رم گرد می‌آمدند - عقیده بر این جاری بود - که مورد حمایت و ملاحظت میترا قرار خواهند گرفت» (ورمازرن، ۱۳۴۵: ۴۷). در اینجا بد نیست به یک دیدگاه کاملاً متفاوت نیز اشاره کنیم که متعلق به محمد مقدم، یکی از ایران‌شناسان پیشکسوت است. وی به طور کلی مهر را یک شخصیت تاریخی می‌داند که مانند دیگر پیامبران به تبلیغ دین خود پرداخته است. او به استناد نوشته‌ای که به زبان پهلوی در تورفان چین به دست آمده، برای این شخصیت زمان تولد و مرگ نیز در نظر گرفته است. «در نیمه هزاره یازدهم، یک هزاره و نیم پس از زرتشت، در سال پنجاه و یکم شاهنشاهی اشکانی، نیمه شب میان شنبه بیست و چهارم و یکشنبه بیست و پنجم دسامبر ۲۷۲ پیش از میلاد، مهر سوشیانس از مادرش، ناهید، در میان یک تیره سکایی ایرانی در شرق ایران زاییده شد» (مقدم، ۱۳۸۰: ۶۰). این نویسنده در ادامه زمان و مکان مرگ مهر را نیز آورده که طبق آن در روز دوشنبه چهارم شهریور جام (ساعت) یازده در استان بجستان و شهرستان بیدآباد بوده است.

حال اگر از این نظریه محقق شرقی که خود، مجال جداگانه‌ای برای بررسی نیاز دارد، چشمپوشی کنیم و به چگونگی ارزش گذاری غربیان به مهر و فراگیر بودن آن در سراسر اروپا بیندیشیم و این که تا چه حد این آیین در رگ و خون فرهنگ آنان جریان یافته است، این پرسش پیش می‌آید که آیا زمان ورود مهر به اروپا به قرن‌ها پیش از دوره اشکانی باز نمی‌گردد؟ برخی از پژوهشگران با دلایلی که جای تأمل دارد و استناد به گفتارهایی از تاریخ مکتوب و ارزشمند ایران یعنی شاهنامه، پیشینه راهیابی مهرپرستی به اروپا را بسیار کهن‌تر از آنچه تاکنون گفته شده، می‌دانند. فریدون جنیدی درباره این پیشینه می‌گوید: «چون زمان پیدایی کیش مهر بی گمان پیش از سه بهره شدن آریاییان است، پس (سلم^{۲۰} = سرم = سرمت)

اروپاییان این کیش را هنگام کوچ خود بدان سرزمین با خود برده‌اند، و گواه درست و راست آن تاریخ ایران، شاهنامه فردوسی است، که در داستان رفتن گشتاسب به روم یا کوچ (مهاجرت)‌هایی که پیرامون هزار و دویست سال پیش از زایش مسیح روی داده است و باستان‌شناسان رد پای آن را یافته‌اند، در برخورد گشتاسب با "میرین"، داماد سوم قیصر، می‌گوید: چو میرین بدیدش، به بر در گرفت / پرستیدن مهر اندر گرفت

خود واژه میترا که در اروپا روا است از کهن بودن خویش سخن می‌گوید. زیرا چنان که می‌دانیم این واژه در سانسکریت میترا Mitra، در اوستا میتر Mithra، در پهلوی میتر Mitr و در فارسی دری میهر و آنگاه مهر خوانده می‌شود. یک نگاه به این چند واژه نشان می‌دهد که گونه اروپایی آن، میترا Mithra، از همه آنان کهن‌تر است؛ زیرا که بهر پایانی آن "آ" است و این "آ" در زبان اوستا و ودا^{۲۱} به گونه "آ" درآمده و در پهلوی و فارسی دری از میان رفته است. «(جنیدی، ۱۳۶۲: ۱۶). با قیاس این گفتارها به نظر می‌رسد نمی‌توان به سهولت درباره پیشینه مهر در اروپا صحبت کرد. اما خردمندان^{۲۲} آن است که با توجه به جایگاه آن در جامعه تاریخی اروپا و ماندگاری‌اش در آیین مسیحیت، پیشینه پرستش مهر و به جای آوردن آیین آن را در زمانی پیش‌تر از قرن یکم ق.م جستجو کنیم زیرا در این زمان پرستش مهر در آن جوامع عمومیت یافته بوده و این امر با توجه به امکانات محدود در وسایل ارتباط جمعی آن دوره، نشان می‌دهد که ورود مهرپرستی بدانجا، می‌بایست مدتها پیش از این تاریخ آغاز شده باشد.

۲-۳- قربانی کردن گاو در آیین مهر و برداشت پژوهشگران

یکی از شناخته شده‌ترین آیین‌های مهر قربانی کردن گاو است. نگاره‌های معابد مهرپرستی با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند اما آنچه که در همه آنها مشترک است همان قربانی کردن گاو یا به اصطلاح غربیان "تاورکتونی"^{۲۲} است. «میتراپرستان» صحنه کشتن گاو را همیشه در محراب و مرکز معبد خویش می-

آراستند. در این صحنه، میتراس گاوکش به صورت قهرمانی جوان و همچون شاهزادگان شرقی تصویر می‌شد، یعنی با نیم تنه و شنلی سرخ که در حال اهتزاز است و کلاهی با رأس خمیده که به کلاه "فریجی" ۲۳ معروف است. او فاتحانه سوار بر یک گاو نر قوی هیکل به حالت خیز زانو زده، انگشت در منخرین^{۲۴} گاو انداخته و سر گاو را به نشان قربانی کردن به بالا کشیده و خنجری در کتفش فرو کرده است، از جای خنجر خون می‌جهد و گاهی از جای زخم خوشه های گندم و نباتات روییده‌اند. از دم گاو خوشه غلات ظاهر شده و سگی به سوی زخم گاو جهیده و در حال لیسیدن خون است. همچنین ماری به سوی خون در حرکت است و در مکیدن خون، سگ را همراهی می‌کند و عقربی بر بیضه گاو چسبیده است. در دو طرف گاو، دو جوانک با همان کلاه فریجی و لباس شرقی، در حالی که مشعلی در دست دارند و پاهای خود را چلیپا وار روی هم انداخته، ایستاده‌اند و در اطراف صحنه تاورکتونی نقش‌هایی از شرح زندگی میتراس، تولد او از صخره، کلاغ، خورشید، ماه، سیارات و منطقه البروج دیده می‌شود (اولانسی، ۱۳۸۰: ۲۰). همان‌طور که گفته شد متأسفانه هیچ متن و نوشته‌ای درباره تعلیمات دین مهر و مفاهیم نقش‌های به دست آمده از آنها وجود ندارد؛ از این رو تفسیر تصاویر برجای مانده از آنها نیز میان پژوهشگران محل اختلاف است که به بیان برخی از آنان می‌پردازیم: مهری باقری عمل قربانی کردن گاو را یک عمل آفرینشی و بُندهشنی می‌داند و آن را مثال بارز طبیعت عنوان می‌کند که سال به سال تازه و تکرار می‌گردد. وی با بیان شباهت‌ها میان آیین قربانی کردن گاو و برخی اشارات موجود در کتب دینی زرتشتیان درباره آفرینش و رستاخیز که طبق آنها نخستین مخلوقات جاندار اهورامزدا یعنی یک مرد به نام "کیومرث" (سرچشمه آفرینش انسان‌ها) و یک گاو به نام "گاو یکتا آفریده" (سرچشمه آفرینش جانوران و گیاهان) و سپس گاو نخستین که به وسیله اهریمن بیمار گشته و می‌میرد و تخمه‌اش به ماه منتقل شده، در آنجا حفظ و پالوده می‌شود و همراه با باران در زمین پراکنده گشته باعث رویش گیاهان و پیدایش جانوران بر روی کره زمین می‌شود، مهر را به عنوان "میانجی" میان خیر و شر، معرفی می‌کند که گاو را

می‌کشد تا زندگی حیوانات و نباتات را که مکتوم در وجود اویند نجات دهد و می‌گوید: «مهر، میانجی دو مصدر نیک و بد است تا آفرینش و خلقت به واسطه او صورت گیرد. در حقیقت مهر ناظر بر عهد و پیمان میان اهریمن و اوهرمزد و کارگزار خلقت است. از این رو مهر را با لقب میانجی خوانده‌اند. لذا عمل قربانی گاو به دست او می‌تواند بیان رمزی نقش میانجی‌گری و نجات بخشی او در جهان خلقت باشد. او طبیعت را می‌زایاند و در نظام جهان مداخله کرده و غرضش از این مداخله نیز تهیه خیر و سعادت برای موجودات نیک است و احتمالاً از این روست که این عمل مهر میانجی، تشخص یافته و نقش اصلی آیین مهرپرستان می‌شود» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۶۳). آیین میترا اغلب در بهار انجام می‌شده و آنچنان‌که می‌دانیم بهار نشانه رستاخیز طبیعت و آفرینش دوباره است. «بی‌گمان انگیزه اصلی مراسم قربانی گاو در آیین میترا که آغاز بهار انجام می‌شود بر همین پایه استوار می‌باشد؛ چون بر اثر کشته شدن گاو، خونش بر زمین جریان پیدا می‌کند و بر اثر آن گیاهان می‌رویند و جانوران پدید می‌آیند.» (رضی، ۱۳۸۵: ۳۸۰). اما کومن درباره کشتن گاو تعبیر جالبی دارد که بر اساس آن هنگامی که میترا س گاو را کشت پدیده شگفت و خارق العاده‌ای روی داد؛ از پیکر در حال مرگ او، تمامی گیاهان مفید و رستنی‌هایی که زمین را با طراوت خود پر کرده‌اند، رویید. از نخاع آن حیوان گندم رویید که نانمان را می‌دهد و از خونسش، شرابی که نوشیدنی مقدس آیین سز میترا است، ساخته می‌شود. روان شر (اهریمن) به عبث، دیوان ناپاک را علیه آن حیوان مظلوم روانه ساخت تا درست همان نیروهای حیات را در او [نشانه گرفته و] با زهر نابود کنند. عقرب، مور و مار بیهوده کوشیدند تا اندام تناسلی گاو را نابود کنند و خون آن چارپای پر برکت را بنوشند. اما آنان توانایی آن را نداشتند که سد راه معجزه‌ای شوند که در تقدیر بود. پس قهرمان گاوکش از طریق قربانی که با طیب خاطر پذیرفته بود خالق همه باشندگان سودمند روی زمین گشت و از مرگی که او مسبب آن بود حیات تازه‌ای، غنی‌تر و بارورتر از پیش، پا به عرصه وجود نهاد (کومن، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۹). تقدس خون گاو از سوی

پژوهشگران دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته و کشته شدن او در واقع سبب ایجاد نیروی مقدس می‌شود. «تا آخرین دنباله‌های دین میثره در دولت رم گاو نر سیمای مرکزی این دین بود، این چارپا کشته می‌شد و خون او نیروی سپننه‌ای داشت» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۹۹).

بنابر آنچه تا به اینجا درباره کشتن گاو گفته شد، اغلب پژوهشگران معتقدند که مهر یا میترا با انگیزه‌ای مربوط به آفرینش گاو را می‌کشد اما در اینجا یادآوری یک نکته بسیار ضروری به نظر می‌آید و آن این که در جای‌جای کتاب بندهش، یکی از مهم‌ترین آثار برجای مانده از زرتشتیان درباره آفرینش، گفته شده که گاو توسط اهریمن کشته می‌شود و نه مهر. از سوی دیگر در متن مهریشت، ایزد مهر، دائم به عنوان مراقب و نگه دارنده گاو، چارپایان و چراگاه‌های فراخ توصیف و ستوده می‌شود. ورمازرن در توجیه این امر می‌گوید: «کاری که اهریمن می‌خواست بکند از ذات شرور وی نشأت می‌گرفت، میترا همان کار را به قصد نجات بشریت انجام داد و از این روی خود را نجات دهنده خواند» (ورمازن، ۱۳۴۵: ۹۹). این اختلافات بهانه‌ای شد برای برخی از پژوهشگران غربی مانند اولانسی که مصرانه آیین مهر ایرانی را از میترائیسم اروپایی جدا کنند. اما اگر یک بار دیگر به شاهنامه بازگردیم و بخش‌هایی را که مربوط به زاده شدن فریدون است موشکافانه‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که در آن زمان پرورش گاو و بهره گرفتن از این دام، در معیشت ایرانیان اهمیت ویژه‌ای داشته است. بابلیان که عموماً با همسایگان آریایی خود در ستیز بودند، از همین امر به‌نفع خود سود برده و تباه کردن دام‌های ایرانی، به‌ویژه گاو را که برای ایرانیان اهمیت آیینی نیز داشت، کاری-ترین ضربه به دشمن یافتند:

خبر شد به ضحاک ، زان روزگار
گاو پر مایه و مرغزار

بیامد بدان کینه چون پیل مست
آن گاو پر مایه را کرد پست

همه هرچه دید اندر آن چارپای
بیفکند و زیشان بپرداخت جای (فردوسی، ۱۳۴۴ :
۱۴۷/۶۴)

سپس ایرانیان به کینخواهی، گرزهای گاوسر و درفش-
هایی از پوست گاو ساختند و به جنگ بابلیان رفته،
آنها را سرکوب کردند و به نظر می‌رسد پس از آن‌که
آیین مهر در ایران رواج یافت، مهرپرستان گاو را
که از ارزشمندترین دارایی‌هایشان بود برای ایزد
مهر قربانی می‌کردند. « آنچه مهرشناسان اروپایی را
به گمان افکنده است، که این گاو اوژن^{۲۰}، مهر است
همان کلاه مهری اوست. باز آن که در بسیاری از
نگاره‌های یافته شده دو یا چند کس را در کنار هم و
با همین کلاه می‌بینیم. پس اگر چند کس این کلاه را
دارند، می‌توان داوری کرد که اینان مهربان‌اند، نه
مهر. چنان که مهرشناسان زیر این نگاره آورده‌اند:
"مهر سوار بر اسب مسلح به تیر و کمان"، پس آن
دیگری که کلاهش چونان کلاه مهر است کیست؟ و از این
نگاره‌ها فراوان است... این گروه مهرشناس
نخواستند که در همین زمان ببینند که این کلاه،
کلاه ایرانی است و در بیشتر مرزهای ایران هنوز
کاربرد دارد... و هیچ‌گاه دیده نشده است که ایزدی
که خود ستایش شونده است، گاوی را بکشد. اگر
بپذیریم که در آیین مهری، مهر پدید آورنده و
خداوند این جهان است، پس گاو را برای که می‌کشد؟»
(جنیدی، ۱۳۶۲ : ۹).

این نویسنده همچنین به نگاره‌های یافت شده‌ای
اشاره می‌کند که در آنها کُشنده گاو زن است و از
آنجایی که میترا در نزد اروپاییان به عنوان مرد و
نرینه پذیرفته شده است، این امر را نیز دلیل
دیگری می‌داند برای آن که قربانی کننده گاو در
نگاره‌های مهری همواره مهربان هستند و نه ایزد
مهر. بنابراین پژوهشگرانی که میترائیسم را دنباله
بی‌چون و چرای مهرپرستی ایرانی می‌دانند، تفاوت
میان کُشنده گاو را دلیل بر تفاوت اساسی میان این
دو آیین نمی‌دانند و آن را بیشتر ناشی از اختلاف
برداشت‌ها و تعبیرها از نگاره‌های مهری تلقی می-
کنند.

۲-۴- یادمان‌های آیین مهر در ایران و اروپای مسیحی

به باور بسیاری از مورخان غربی از جمله ارنست رنان^{۲۶}، اگر بنا به هر دلیلی مسیحیت از همان آغاز متوقف می‌شد، جهان به تمامی می‌ترایی می‌شد که این اعتقاد دریچه خوبی است برای ورود به موضوع مهرپرستی و مسیحیت؛ چراکه نشان می‌دهد آیین مهر تا چه حد میان همه مردم جهان شناخته و پذیرفته شده، بود. با این وصف پس از ورود مسیحیت، مردم نمی‌توانستند به یکباره آیین نیاکان خود را که بسیار عزیز می‌داشتند، رها کنند. حتی بسیاری بر این باور بودند که مسیحیت به نوعی دنباله همان آیین مهر است و بسیاری از کلیساها را بر ویرانه‌های پرستشگاه‌های مهر ساخته و سعی در ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان این دو کیش کردند. به عنوان نمونه در اسطوره میتراس گفته می‌شود که میترا در روز ۲۵ دسامبر در کنار رودی و از دل سنگی زاده می‌شود. او از همان بدو تولد فرمانروای کیهان است و حادثه تولد او با نشانه‌ها و علائمی غیر عادی همانند تجلی نور همراه است. اسطوره‌های دیگری از این دست در دوره ساسانی درباره مهر و مسیحیت شکل گرفت (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۲۲۶).

«اکثر آداب و آیین‌های مسیحیت از مهرپرستی غربی گرفته شده است و همین نشانه آشکار قدرت میترائیسم در رم باستان است. گذشته از زایش مهر (به معنای ضمنی خورشید یا مظهر و نماینده آن در میترائیسم غربی چنان‌که بارها از مهر با عنوان "سولینویکتوس"^{۲۷} یعنی خورشید شکست ناپذیر، یاد شده است) که در واقع برابر با انقلاب زمستانی و درازترین شب سال است که اکنون در ایران با نام شب یلدا^{۲۸} در ۲۱ دسامبر برابر با اول دی ماه جشن گرفته می‌شود، آیین‌های غسل تعمید، تناول القربان یا تناول عشای ربّانی که در واقع همان قرص نان "درون"^{۲۹} زرتشتی است که به مهرپرستی و از آنجا به مسیحیت راه یافته، آیین باکره‌ها، رسم پرهیز، رسم کریسماسیون؛ یعنی نقش کردن برخی حروف نام مسیح، تقدیس نان و شراب به عنوان گوشت و خون مسیح، همچنین خوردن تکه‌ای نان و پیاله‌ای شراب توسط نوکیش هنگام تشرّف، وجود چلیپا یا صلیب به عنوان

نماد آشتی بزرگ جهانی، وجود سنگاب در مدخل مهرآوه و کلیسا که مؤمن باید هنگام ورود انگشت خود را به عنوان تطهیر در آن فرو کند و غیره، همگی در کیش-های مهرپرستی و مسیحیت مشترک هستند. همچنین جامه ارغوانی پاپ و حتی پاپانوئل و نیز کلاه پاپ که به آن "میترا" می‌گویند و شبیه کلاه مهری است با نوک برگشته که "کلاه فرنگی" نیز گفته می‌شود» (ثاقب فر، ۱۳۸۳: ۱۸). سده دوم میلادی زمانی است که امپراتوری روم در بحران به سر می‌برد و به قول شورتهايم هر دو آیین از این موقعیت بهره می‌جستند و خود را گاه حتی با ستیز یا یکدیگر، شکوفا می‌کردند. لیکن شباهت‌های میان آنها انکار ناشدنی است. «مسیح نیز همانند مهر میانجی میان نیکی و پلیدی و میان پدر آسمانی و آدمیان است. اهریمن در چهره دیو پلیدی-ها، شیطان دوزخی را نمادین می‌کند که در برابر سپهرهای شفاف آسمان قرار گرفته است. عروج به این آسمان برای مسیحیان و هم برای مهریان یکی از اساسی‌ترین اصول هردو دین است» (شورتهايم، ۱۳۸۷: ۱۸۸). وجود نشانه‌های آیین مهر تنها در دین مسیح خلاصه نمی‌شود و در ایران پس از اسلام نیز همچنان یادمان‌هایی از آن برجای مانده است؛ یکی از مشخص‌ترین این آیین‌ها که همچنان در میان زرتشتیان جایگاه ویژه‌ای دارد، روز و جشن مهرگان است. «پیمان معهود بین نور و ظلمت و یا به سخن دیگر، عهد و قراری که ترتیب فرمانروایی اهریمن و اوهرمزد بر جهان و زمان پادشاهی هریک از آنان را تعیین می‌کند، در روز مهرگان که روز ویژه ایزد مهر است، بسته شده است. البته تخصیص روز شانزدهم یعنی میانه هر ماه به مهر، ایزد گاهشماری مزدیسنا، خود امری جالب توجه و قابل تأمل است» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۴۹). پس از ظهور اسلام نیز جایگاه مهر و روزی که ویژه او بود همواره برای ایرانیان، همپای نوروز بود. ابوریحان در کتاب التفهیم خود آورده است:

«مهرگان، شانزدهم روز است از مهر ماه و نامش مهر، اندرین روز، افریدون ظفر یافت بر بیورسب جادو، آنک معروف است به ضحاک، و به کوه دماوند بازداشت. و روزها که سپس مهرگان است همه جشنند، بر کردار آنچ از پس نوروز بود» (بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۳۵۲).

۲۵۴). یادمان‌های آیین مهر در ایران بسیار گسترده است و پرداختن به آنها مجالی مستقل می‌طلبد؛ از معماری زورخانه‌ها گرفته تا نمادهایی که در کیش عرفا و صوفیان وجود دارد. اما نکته قابل توجه، تشابه میان یادمان‌های برجای مانده در ایران و اروپای پس از مسیحیت است که نظریه یگانه بودن خاستگاه آنان را بیشتر تقویت می‌کند.

۳- نتیجه

تفاوت میان مهرپرستی غرب و شرق امری است سراسر مشهود. اما اینکه بتوان با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها به کلی خاستگاه آنان را از هم جدا کرد، دور از منطق و خرد به نظر می‌رسد. مهر دارنده چراگاه‌های وسیع و خدای عهد و پیمان درست همان میترايي است که با پیمان شکنان مبارزه می‌کند و ارتباط نزدیکی با جهان طبیعت و روشنایی دارد؛ اینها عباراتی هستند که در مهریشت آمده و حتی کسی چون دیوید اولانسی که مصرانه میان مهر و میترا تفاوت قائل است، از همین عبارات برای توصیف و معرفی میترا سود می‌جوید. پس به گفته مترجم کتاب وی، مریم امینی، چطور می‌توان تا این حد اصرار ورزید که تفاوت میان مهر و میترا تا حدی است که گویا از یک ریشه هم نیستند؟! از سوی دیگر با توجه به شواهد و قراینی که در طول این نوشتار آورده شد و نشان می‌داد که قدمت مهر در ایران به دوره‌ای بسیار پیش‌تر از اشکانیان باز می‌گردد پس دیگر نمی‌توان خاستگاهی خارج از این مرزها برای آیین مهر در نظر گرفت.

توجه به فرهنگ‌های نهفته و آشکار در ساختار آیین و تطبیق آنها با آثار و نقوش به دست آمده از دالان‌های کشف شده در مهرابه‌ها و همچنین دقت بیشتر در نام‌ها و اصطلاحات که همگی ارتباط مستقیم میترائیسم با مهرپرستی ایرانی را تأیید می‌کند، جای تردیدی برای پژوهشگران بی‌طرف نخواهد گذاشت که خاستگاه این دو آیین در یک جا قرار داشته و میترائیسم، دینی جدید و مستقل آیین مهر برخاسته از ایران نیست.

آیین مهر همان‌گونه که در طول روایی خود پر رمز و راز بود در طول زمان نیز به گونه‌ای مرموز و ناآشکار توانست جای خود را در ادیان دیگر باز کند و خود را از نیستی و فراموشی نجات دهد و نکته‌ای که بسیار جای تأمل دارد و تردیدی در پذیرفتن آن نیست ارزش مهر در باورهای ایرانی و اروپایی است که شاید جستجو برای یافتن علت این امر مفیدتر از جدال بر سر خاستگاه آن باشد. ایزد مهر و آیین‌های مرتبط با او بسیار پر رمز و راز و در عین حال زیبا و تأثیرگذار هستند. همین امر سبب شده تا هر کس از ظن خود بدان بپردازد و حکایت همچنان باقی بماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، رشته فرهنگ و زبان های باستانی، دانشگاه علامه طباطبایی

۳. یشت‌ها یکی از پنج بخش اوستایی است که از دوره ساسانی بر جای مانده و به ستایش ایزدانی چون مهر، ناهید، بهرام و ... اختصاص دارند. یکی از کهن‌ترین، مهم‌ترین و بلندترین یشت‌ها مهریشت است.

- 4. Maren Vermazern
- 5. Frantez Coumon
- 6. David Oulanci

۷. نک. کتابنامه

۸. ورونه (varuna) یا ورونا خدایی است هندی که در رأس گروه خدایان فرمانروا و روحانی قرار دارد و قدرت او در هند همپای قدرت اورمزد در ایران است.

۹. این عهدنامه میان دو قوم هیتی و میتانی بسته شده که هر دو از اقوام هندواروپایی هستند و در هزاره دوم ق.م از جنوب روسیه به ایران مهاجرت کردند.

۱۰. ناحیه ای در شمال غربی ایران.

۱۱. ناحیه ای در ساحل غربی دریای سیاه.

۱۲. ناحیه ای در قسمت شرقی آسیای صغیر و شمال دریای سیاه.

۱۳. کماژن یا کماجین سرزمینی واقع در شمال سوریه است.

مهرداد کالی نیکوس و پسرش آنتیوخوس اول که او نیز خود را در کتیبه معروفش در نمرود داغ، مهرداد خوانده است از شاهان کماژن بودند.

۱۴. در سال ۵۷ م.

۱۵. "کرمانشاه" گویش نادرستی از این نام است؛ چراکه "شا" جزئی از خود واژه است و هیچ ارتباطی با "شاه" ندارد.
۱۶. دسته‌ای از شاخه‌های گیاه که روحانیان زردشتی در مناسک دینی آن را در دست می‌گرفتند.
۱۷. گویش دیگری از میترا که میان رومیان و یونانیان متداول بوده است.
۱۸. حاکم آسیای صغیر که همزمان با مهرداد دوم اشکانی (قرن اول ق.م) حکومت مقتدر خود را تشکیل داد.
۱۹. کتاب Forrer دارای عکس‌ها و تصاویر ارزشمند و همچنین منبع بسیار جامعی است درباره نگاره‌ها و اشیایی که توسط باستان‌شناسان از مهرابه‌ها به دست آمده است. (نک. کتابنامه)
۲۰. سلم یکی از سه پسر فریدون است که سرزمین روم به وی سپرده شد، واژه‌های سلم و روم از نظر زبان شناسی با هم ارتباط دارند.
۲۱. Veda: قدیمی‌ترین اثر هندی به زبان سانسکریت است.
۲۲. Tauroctony ؛ درباره تاورکتونی سه منبع به زبان‌های آلمانی و فرانسه بسیار قابل توجه هستند:
1. Typology of Mithraic Taurctones. Pag. 1 ss.
 2. Der Mithras mythus Pag. 13
 3. Mithra und das Stierodfer Pag. 207 ss
23. Frijy
۲۴. هر دو سوراخ بینی.
۲۵. افکننده و زننده گاو.
26. Ernest Renan
27. Solinvictus
۲۸. واژه‌ای سریانی به معنی تولد. (برای آگاهی بیشتر درباره تشابهات تاریخی میان مهرپرستی و مسیحیت، نک. Mystères De Mithra نوشته Amédéc Gasquet ص. ۵۷
۲۹. نان مذهبی زرتشتیان.
30. Mitr

کتابنامه

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۴). تاریخ اساطیری ایران. چ ۷. تهران: سمت.
- اولانسی، دیوید. (۱۳۸۰). پژوهشی نو در میترا پرستی کیهان شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان. ترجمه مریم امینی. تهران: چشمه.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۵). دین‌های ایران باستان. تهران: قطره.
- بنونیست، امیل. (۱۳۷۷). دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی. چاپ سوم. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: قطره.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۲). التفهیم لوائل صناعة التنجیم، به کوشش جلال الدین همایی، تهران: بابک.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۵۶). یشت‌ها. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ثاقب فر، مرتضی. (۱۳۸۳). دین مهر در جهان باستان. تهران: ققنوس.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۵). آیین مهر: پژوهش‌هایی در تاریخ آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب. تهران: بهجت.
- ساندرز، ن. ک. (۱۳۷۶). حماسه گیلگمش. ترجمه محمداسماعیل فلزی. تهران: هیرمند.

- شورتهايم ، المار . (۱۳۸۷) . گسترش یک آیین ایرانی در اروپا . ترجمه نادر قلی درخشانی . تهران : نشر ثالث .
- فردوسی ، ابوالقاسم . (۱۳۴۴) . شاهنامه . به کوشش محمد دبیرسیاقی (۶جلدی) . تهران : علمی .
- کومن ، فرانکس والری ماری . (۱۳۸۰) . آیین پر رمز و راز میترایی "رازهای میترا" . ترجمه و پژوهش هاشم رضی . تهران : بهجت .
- کریستنسن ، آرتور امانویل . (۱۳۶۸) . ایران در زمان ساسانیان . ترجمه رشید یاسمی . تهران : دنیای کتاب .
- گرن ، گئو ویدن . (۱۳۷۷) . دین‌های ایران باستان . ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ . تهران : آگاهان دیده .
- گیرشمن ، رومن . (۱۳۸۵) . ایران از آغاز تا اسلام . ترجمه محمد معین . چ ۱۷ . تهران : علمی فرهنگی .
- نیبرگ ، هنریک ساموئل . (۱۳۵۹) . دین‌های ایران باستان . ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی . تهران : مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها .
- معین ، محمد . (۱۳۴۷) . لغتنامه . چ ۴ . تهران : امیرکبیر .
- مقدم ، محمد . (۱۳۸۰) . جستار درباره مهر و ناهید . تهران : هیرمند .
- ورمازرن ، مارتن . (۱۳۴۵) . آیین میترا . ترجمه بزرگ نادرزاد . تهران : کتابفروشی دهخدا .
- هینلز ، جان . (۱۳۸۵) . شناخت اساطیر ایران . ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی . چ ۱۰ . تهران : چشمه .

مقاله‌ها

- بویس ، مری . «نقش مهر در دین زرتشتی» ، ترجمه احمدرضا قائم‌مقامی . مجموعه مقالات مهر در ایران و هند باستان . تهران : ققنوس . (۱۳۸۴)
- جنیدی ، فریدون . «مهر ایرانی» فروهر . ش ۵ (۱۳۶۲) : ۲۶-۹ .
- نفیسی ، سعید . «مهر و آئین مهر» پشتون ، سال اول ، ش ۷ (۱۳۲۷) : ۵-۸

منابع لاتین:

- Reichelt, Hans. **Avesta Reader**, Berlin, 1968. -
- Cambell, Le Ror. **Typology of Mithraic Taurctones** dans Le périodique -
Berytus XI, 1954.
- Clemen, C. **Der Mithras mythus** dans Le périodique Bonner Jahrbücher, -
1937.
- Lommel, H. **Mithra und das Stieropfer** dans Le périodique paideuma III, -
1949.
- Forrer, Robert. **Das Mithra – Heiligtum** von Königshofen. Stuttgart, 1915. -
- Gasquet, Amédéc. **Mystères De Mithra**. Tehran, 1976 (Reprint from 1899 -
ed. Paris).

Archive of SID

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران